

مقایسه نظریه ذهن و بازشناسی هیجان چهره ای در افراد روان پریش گرا،

روان رنجورگرا و عادی

سعیده شکفته*

کارشناس ارشد روان‌شناسی بالینی، دانشگاه
سمنان، سمنان، ایران
پروین رفیعی نیا
استادیار روان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان،
ایران
پرویز صباحی
استادیار روان‌شناسی دانشگاه سمنان، سمنان،
ایران

هدف: شناخت اجتماعی، که نسبتاً مستقل از دیگر وجوه شناخت است، به عملکرد ذهنی در تعاملات اجتماعی و نقش خود و دیگران در بافت اجتماع اشاره دارد. هدف این پژوهش، مقایسه نظریه ذهن و بازشناسی هیجان چهره‌ای در افراد روان رنجورگرا، روان پریش گرا و عادی است. روش: در این پژوهش ۴۰۰ دانشجوی دختر به صورت تصادفی انتخاب شدند و پرسش‌نامه تجدید نظر شده شخصیتی آیزنک را کامل کردند. سپس بر اساس ملاک‌های ورود، سه گروه روان‌رنجورگرا، روان پریش گرا و عادی (N=۹۰) انتخاب شدند. در ادامه، آزمون‌های نظریه ذهن، بازشناسی هیجان چهره‌ای و فرم کوتاه آزمون هوشی تجدید نظر شده وکسلر بزرگسالان برای شرکت‌کنندگان اجرا و داده‌ها با روش تحلیل کوواریانس تک‌متغیره و تحلیل واریانس چندمتغیره تجزیه و تحلیل شد. یافته‌ها: یافته‌های پژوهش نشان داد که گروه‌ها در نظریه ذهن تفاوت معناداری ندارند و در بازشناسی هیجان چهره‌ای فقط افراد روان رنجورگرا و عادی در بازشناسی هیجان ترس تفاوت معنادار دارند. در پایان با توجه به مبانی نظری و عملی درمورد یافته‌ها بحث و نتیجه‌گیری شد.

*نشانی تماس: دانشگاه سمنان، سمنان، ایران.
رابطه‌ها: shekofte1390@yahoo.com

کلیدواژه‌ها: نظریه ذهن، بازشناسی هیجان چهره‌ای، روان رنجورگرایی، روان پریش‌گرایی

The comparison of theory of mind and facial emotion recognition in psychotic, neurotic and normal individuals

Introduction: Social cognition refers to mental function in social interactions, self and other's role in community context, which is relatively independent from other aspects of cognition. The aim of present study was to compare theory of mind and facial emotion recognition in psychotic, neurotic and normal individuals. **Method:** 400 randomly selected female university students were selected and completed the Eysenck Personality Questionnaire-Revised (EPQ-R). Later, on the basis of inter criteria, three groups including psychotic, neurotic and normal (n=90) were identified. All participants were assigned to theory of mind (TOM) task, the Facial Emotion Recognition test and Short form of The Wechsler Intelligence Scale for Children-Revised (WISC-R). Data were analyzed using the ANCOVA and MANOVA. **Results:** The results revealed no significant difference in theory of mind between the three groups; while neurotic and normal individuals had significant difference in fear facial emotion recognition. **Conclusion:** Our results together with theoretical and practical basics may explain theory of mind and facial emotion recognition differences in psychotic, neurotic and normal subjects.

Keywords: Theory of mind, Facial emotion recognition, Neurotic, Psychotic.

Saeedeh Shekofteh*
MA, Clinical Psychology, Semnan
University, Semnan, Iran.
Parvin Rafienia
PhD, Psychology, Semnan
University, Semnan, Iran.
Parviz Sabahi
PhD, Psychology, Semnan
University, Semnan, Iran.

*Corresponding Author:
Email: shekofte1390@yahoo.com

مقدمه

اهمیت دارد (۷). برخی توانایی‌های شناختی از جمله هوش، ظرفیت پردازش و حافظه بر نظریه ذهن اثر می‌گذارند. حافظه در یادآوری تجارب گذشته به منظور قضاوت مقاصد نقش مؤثری دارد (۸). آسیب به حافظه به نقص در نظریه ذهن منجر می‌شود (۹). دیگر عامل تأثیرگذار بر عملکرد نظریه ذهن، بیان افکار و مقاصد است (۱۰). نظریه ذهن با مهارت‌های تعامل اجتماعی و اطلاعات عمومی نیز ارتباط دارد (۱۱).

بازشناسی هیجان جنبه دیگر شناخت اجتماعی است. هدف بازشناسی هیجان چهره‌ای تعیین حالت‌های هیجان چهره است. ابراز چهره‌ای هیجان‌های خاص (نفرت، غم، شادی، ترس، خشم و تعجب)، فارغ از هویت چهره، به طور جهانی و هیجان‌های اجتماعی (گناه، شرم و غرور) در تعاملات خاص فرهنگی بازشناسی می‌شوند (۱۲). ابراز چهره‌ای یک سازوکار کلیدی در فهم و انتقال هیجان است. تفسیر ابراز چهره‌ای می‌تواند جریان مکالمه را تغییر داده و کنترل کند. توانایی تفسیر هیجان در برقراری ارتباط مؤثر بسیار مهم است. ابراز هیجان‌های خود به طوری که برای دیگران قابل درک باشد تأثیر نیرومندی بر آنها می‌گذارد و درک صحیح پاسخ‌های هیجانی دیگران به پاسخ‌دهی مناسب می‌انجامد. همچنین تجلی هیجان در افراد ما را قادر می‌سازد تا درباره شخصیت آنها تصویری پیدا کنیم (۱۳). نقش شخصیت در بسیاری از حیطه‌های روان‌شناختی حیاتی است. با در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی می‌توان گفت که افراد در مؤلفه‌های مختلف زیستی، اجتماعی، روان‌شناختی و شخصیتی از یکدیگر متمایزند. بر اساس نظریه شخصیتی آیزنک، رفتار افراد سه بعد شخصیت را منعکس می‌کند که این سه بعد ریشه زیستی دارد و شامل روان رنجورگرایی، برون‌گرایی و روان‌پریشی‌گرایی می‌شود. افراد روان رنجورگرا به تجربه هیجان‌های منفی، عزت نفس پایین، بی‌ثباتی هیجانی، اضطراب، افسردگی و احساس گناه و افراد روان‌پریش‌گرا به صفاتی از قبیل رفتار ضد اجتماعی، فقدان حساسیت هیجانی، تفکر پارانویید، تکانش‌گری، پرخاش‌گری، خودمحوری، خلاقیت و

شخصیت عبارت است از مجموعه‌ای پویا و سازمان‌یافته از خصوصیات که تأثیر آن بر شناخت، افکار، انگیزه‌ها و رفتار شخص در وضعیت‌های مختلف منحصر به فرد است. صفات شخصیتی نقش بسزایی در ارتباطات اجتماعی دارد. صفات شخصیتی متفاوت افراد باعث می‌شود آنها به اشکال مختلف ارتباط برقرار کنند. پیش‌نیاز تعامل در محیط‌های اجتماعی، توانایی فهم درست مقاصد، هیجان‌ها و عقاید دیگران است. در حقیقت افراد برای برقراری یک ارتباط مناسب می‌بایست در حیطه شناخت اجتماعی توانمندی‌هایی داشته باشند. شناخت اجتماعی به نوعی از فرآیندهای ذهنی که مستلزم بازنمایی جهان اجتماعی، ایجاد و سازمان‌دهی رفتار و تعاملات اجتماعی است اشاره می‌کند (۱،۲). جنبه‌های مستقل شناخت اجتماعی شامل بازشناسی هیجان^۱، سبک اسنادی^۲ و نظریه ذهن^۳ است (۳). اخیراً دانشمندان به مفهوم نظریه ذهن و بازشناسی هیجان توجه کرده‌اند. این نظریه، توانایی درک حالات ذهنی دیگران (شامل درک باورها، مقاصد، گمان‌ها و امیال دیگران) (۴) و نتیجه آن شکل‌گیری توانایی فریب دادن، همکاری یا همدلی است (۵). نظریه ذهن دو مؤلفه دارد: اول، مؤلفه اجتماعی - ادراکی است که توانایی درک حالت ذهنی دیگران با استفاده از نشانه‌های موجود از قبیل چهره و حرکات بدن است و دوم مؤلفه اجتماعی - شناختی نظریه ذهن است که شامل توانایی استدلال درباره محتوای حالت ذهنی دیگران می‌شود. با این استدلال‌ها می‌توان فعالیت دیگران را پیش‌بینی کرد. مؤلفه اجتماعی - ادراکی با آزمون خواندن ذهن از طریق چشم‌ها و مؤلفه اجتماعی - شناختی با داستان‌ها یا سناریوهای شنیداری ارزیابی می‌شود (۶).

افراد از لحاظ توانایی نظریه ذهن به درجات مختلف روی یک پیوستار قرار دارند. در یک سر پیوستار با نظریه ذهن پیشرفته و در سر دیگر آن با نقص در نظریه ذهن مواجه‌ایم. در واقع در تحول نظریه ذهن عوامل مختلفی دخالت دارند. گاه شرایط آسیب‌زا موجب بروز نقص در این توانایی فراشناختی پیشرفته می‌شود، در حالی که دیگر توانایی‌های شناختی فرد سالم است. نظریه ذهن در قلب روابط اجتماعی قرار دارد و در درک آنچه مردم بدان می‌اندیشند (همانند اخلاقیات، کنایه، شوخی، دست انداختن، دروغ، اشتباه و فریب)

1. Emotion Recognition
2. Attributional Style
3. Theory of Mind
4. Neuroticism
5. Psychoticism

روش

روش تحقیق در این پژوهش، از نوع علی-مقایسه‌ای است و جامعه آماری آن را کلیه دانشجویان دختر دانشگاه سمنان که در سال تحصیلی ۹۲-۹۱ تحصیل می‌کردند تشکیل می‌دهند. ابتدا از بین تمامی دانشجویان دختر مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد دانشگاه سمنان ۴۰۰ نفر باروش تصادف ساده انتخاب و پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک روی آنها اجرا شد. میانگین سنی ۴۰۰ نفری که در مرحله اول پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک را کامل کردند، ۲۱ سال با انحراف معیار ۲/۷۲ بود. از آنجا که تعیین حجم نمونه در رابطه با طرح‌های علی مقایسه‌ای حداقل بین ۱۵ تا ۳۰ نفر ذکر شده (۲۰) نمونه آماری این پژوهش ۹۰ نفر برآورد شد که در سه گروه ۳۰ نفری روان پریش‌گرا، روان رنجورگرا و عادی جای گرفتند.

معیار ورود افراد به گروه‌های سه‌گانه به این شرح بود: از بین ۴۰۰ نفر نمونه اولیه، افرادی وارد گروه روان پریش‌گرا شدند که در شاخص روان پریش‌گرایی حداقل نمره یک انحراف معیار بیشتر از میانگین را داشته و هم‌زمان در روان رنجورگرایی نمره آنها یک انحراف معیار کمتر از میانگین بود (این معیار برای اطمینان از غلبه روان پریش‌گرایی در نظر گرفته شد). از گروه روان رنجورگرا افرادی وارد این گروه شدند که در شاخص روان رنجورگرایی حداقل نمره یک انحراف معیار بیشتر از میانگین را داشته و هم‌زمان در روان پریش‌گرایی نمره آنها یک انحراف معیار کمتر از میانگین بود (این معیار برای اطمینان از غلبه روان رنجورگرایی لحاظ شد). معیار ورود افراد عادی نیز داشتن هم‌زمان نمره روان پریش‌گرایی و روان رنجورگرایی در دامنه یک انحراف معیار بیشتر و کمتر از میانگین بود. شایان ذکر است که میانگین و انحراف معیار مقیاس روان رنجورگرایی به ترتیب ۱۴ و ۵ بود؛ یک انحراف معیار بیشتر از میانگین ۱۹ است که کسب حداقل این نمره به عنوان معیار انتخاب گروه روان رنجورگرا در نظر گرفته شد. میانگین و انحراف معیار مقیاس روان پریش‌گرایی به ترتیب ۷/۶۲ و ۳/۳۶ شده است که یک انحراف معیار بیشتر از میانگین ۱۰/۹۸ می‌شود. مبنای انتخاب افراد گروه روان پریش‌گرا در این پژوهش کسب حداقل نمره ۱۱ در نظر گرفته شد. به عنوان معیار خروج از پژوهش، میانگین مقیاس مطلوبیت اجتماعی ۹/۰۸ به دست آمد. از هر سه گروه

افکار خوشونت‌بار گرایش دارند (۱۴، ۱۵). انتهای طیف روان پریش‌گرا با نشانگان سایکوتیک شامل جامعه‌ستیزی، اسکیزوتایپی، اختلال شیدایی-افسردگی و اسکیزوفرنیا ارتباط دارد (۱۶).

روان پریش‌گرایی بهترین پیش‌بین اختلالات شخصیت (شامل اسکیزوتایپی و پارانویا)، تجارب شبه-روان‌پریشی و بیماری‌های جدی روانی است. نمرات بالای روان پریش‌گرایی جوانان به طور معناداری جرایم پنج سال بعد آنها را پیش‌بینی می‌کند. گرایش‌های بزهکاری به طور جدی با نمرات بالا در مقیاس روان پریش‌گرایی ارتباط دارد. جوانان دارای روان پریش‌گرایی زیاد با گستره وسیعی از رفتارهای جنایی درگیر می‌شوند و اغلب به سوء‌مصرف دارو، الکل، ماری‌جوانا و کوکائین تمایل دارند. روان پریش‌گرایی بر ارتباطات اجتماعی نیز اثر می‌گذارد. افراد با روان پریش‌گرایی زیاد، به نشانه‌های دیداری نامناسب پاسخ نامناسب می‌دهند، ارتباطات میان‌فردی رضایت‌بخشی ندارند، به رفتارهای ضداجتماعی گرایش دارند و لذا در تعامل با دیگران بی‌پروا یا سرکش‌اند (۱۷).

پژوهش (۶) نشان داد که دو بعد شخصیتی توافق‌جویی و روان رنجورگرایی با عملکرد اجتماعی-شناختی نظریه ذهن ارتباط دارد. افراد دارای نمرات بالا در بعد توافق‌جویی و روان رنجورگرایی در نظریه ذهن عملکرد بهتری دارند، اما این ابعاد با عملکرد اجتماعی-ادراکی نظریه ذهن ارتباطی ندارد. (۱۸) نشان دادند که از بین پنج عامل شخصیت، عوامل گشودگی، برون‌گرایی و وجدانی بودن با توانایی ذهن‌خوانی رابطه معناداری ندارد، در حالی که عامل توافق‌جویی و روان رنجورگرایی با توانایی ذهن‌خوانی ارتباط معنادار دارد؛ به این صورت که نمرات بالا در روان رنجورگرایی عملکرد پایین در توانایی نظریه ذهن را پیش‌بینی می‌کند. همچنین پژوهش‌ها نشان داده‌اند که افراد جامعه‌ستیز و افراد فاقد این اختلال در آزمون نظریه ذهن عملکرد یکسانی دارند (۱۹).

با توجه به اهمیت قابل‌ملاحظه نظریه ذهن و بازشناسی هیجان چهره‌ای در تعاملات اجتماعی و پژوهش‌های بسیار اندک در این زمینه، هدف پژوهش حاضر بررسی این موضوع است که آیا نظریه ذهن و بازشناسی هیجان چهره‌ای با توجه به ویژگی‌های افراد روان رنجورگرا و روان پریش‌گرا تفاوت دارد؟

افرادی انتخاب شدند که در مقیاس مطلوبیت اجتماعی نمره کمتر از نه آورده بودند.

ابزار پژوهش

آزمون ذهن خوانی به وسیله چشم‌ها (بارون-کوهن): برای سنجش نظریه ذهن، از آزمون تجدید نظر شده ذهن خوانی به وسیله چشم‌ها (۲۱) استفاده شد. این فرم ۳۶ ماده‌ای شامل عکس از ناحیه چشم‌های هنرپیشه‌های زن و مرد است. با هر ماده چهار توصیف حالت ذهنی (یک حالت هدف و سه حالت انحرافی با همان ارزش هیجانی) ارائه می‌شود. با استفاده از اطلاعات بینایی از پاسخ‌دهندگان خواسته شد کلمه‌ای را انتخاب کنند که فکر یا احساس صاحب چشم‌ها را به بهترین نحو توصیف می‌کند. برای نمره‌گذاری به هر جواب صحیح نمره یک داده می‌شد. نمرات در دامنه صفر تا ۳۶ قرار می‌گرفت. همسانی درونی (ضریب آلفای کرونباخ) این تست در پژوهش ۰/۷۳ و پایایی آن به روش کودر- ریچاردسون ۰/۶۹ به دست آمد (۲۲).

آزمون بازشناسی هیجان چهره‌ای: این آزمون شامل ۳۶ عکس سیاه و سفید از هیجان‌ات چهره‌ای است که در سال ۱۹۷۶ به وسیله اکمن و فرایسن ساخته و جمع آوری شد. این عکس‌ها تصاویر چهره‌ای از دو زن و مرد هستند که شش هیجان اصلی (خشم، نفرت، ترس، شادی، غم و تعجب) را نشان می‌دهند و آزمودنی باید با نگاه کردن به هر یک از تصاویر بتواند هیجان مورد نظر را بازشناسی کرده و پاسخ بدهد. ضریب پایایی به روش بازآزمایی این آزمون در فاصله یک هفته ۰/۸۵ گزارش شده است. روایی ملاکی هم‌زمان این آزمون با آزمون حافظه و کسلر ۰/۴، پرسش‌نامه پردازش اطلاعات ۰/۳۲ و بازدارای پاسخ ۰/۲۵- به دست آمد (۲۳).

نسخه تجدید نظر شده پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک (بزرگ‌سالان): این نسخه ۱۰۰ ماده دارد که ۲۳ ماده آن به مقیاس برون‌گرایی، ۲۴ ماده به مقیاس روان رنجورگرایی، ۳۲ ماده به مقیاس روان پریشی‌گرایی و ۲۱ ماده آن به مقیاس دروغ (مطلوبیت اجتماعی) مربوط است. در پژوهش همبستگی درونی برون‌گرایی - درون‌گرایی ۰/۷۹، روان پریشی‌گرایی ۰/۷۶ و روان رنجورگرایی ۰/۸۶ به دست آمد (۲۴).

فرم کوتاه آزمون هوشی تجدید نظر شده و کسلر بزرگ‌سالان (WAIS-R): این فرم شامل خرده-مقیاس‌های گنجینه لغات، محاسبه، طراحی با مکعب و تنظیم تصاویر است. زمان لازم برای اجرای این آزمون ۲۵ تا ۳۰ دقیقه و همبستگی آن با کل مقیاس در دو آزمون WAIS-R و WISC-R ۰/۹۳ تا ۰/۹۵ است. مقایسه فرم‌های کوتاه مختلف نشان داده که دقت برآورد فرم‌های کوتاه سنتی (متشکل از خرده-مقیاس‌های گنجینه لغات، محاسبه، طراحی با مکعب‌ها و تنظیم تصاویر) هوش‌بهر کامل WAIS-R در مقایسه با سایر فرم‌های کوتاه بیشتر است. از فرم‌های کوتاه می‌توان به عنوان ابزارهایی مناسب برای غربال کردن (به ویژه در مواردی که هدف ارزیابی غیر از سنجش هوش است) استفاده کرد و نتایج آن را به عنوان شاخص تقریبی هوش یا مبنایی برای تعیین ضرورت سنجش کامل توانایی‌های شناختی به کار برد. در مطالعه عابدی و همکاران، ضریب پایایی بازآزمایی خرده‌آزمون‌های خزانه لغات ۰/۸۷، محاسبه ۰/۸۴، تنظیم تصاویر ۰/۶۹، طراحی با مکعب ۰/۷۱ و همچنین پایایی دو نیمه کردن از طریق زوج و فرد کردن پاسخ‌ها برای این خرده‌آزمون‌ها به ترتیب ۰/۸۷، ۰/۸۳، ۰/۷۷ و ۰/۸۸ بود (۲۵).

روش اجرا

در این پژوهش، ابتدا پرسش‌نامه شخصیتی آیزنک برای ۴۰۰ دانشجوی اجرا شد. از میان این ۴۰۰ نفر افرادی انتخاب شدند که واجد ملاک‌های سه گروه روان پریشی‌گرایی، روان رنجورگرایی و عادی بودند. سپس برای آنها آزمون‌های نظریه ذهن، بازشناسی هیجان چهره‌ای و فرم کوتاه آزمون WAIS-R اجرا شد. پیش از اجرای پژوهش به منظور رعایت اصول اخلاقی پژوهش، در مورد پژوهش توضیحاتی برای شرکت‌کنندگان داده و از آنها رضایت آگاهانه گرفته شد. برای تحلیل داده‌ها آزمون تحلیل کواریانس تک‌متغیره و تحلیل واریانس چندمتغیره به کار رفت.

یافته‌ها

کل نمونه مورد مطالعه ۹۰ نفر (۳۰ روان رنجورگرا، ۳۰ روان پریش‌گرا و ۳۰ فرد عادی) بود. میانگین سنی آزمودنی‌های گروه روان رنجورگرا ۲۰/۸۳ و انحراف معیار آنها ۲/۱۵، میانگین و انحراف معیار سنی گروه

جدول ۱- شاخص های توصیفی نظریه ذهن و بازشناسی هیجان چهره ای در سه گروه

متغیر	روان پریش گرا	روان رنجورگرا	عادی
نظریه ذهن	میانگین (انحراف معیار) ۲۰/۳ (۲/۶۶)	میانگین (انحراف معیار) ۲۰/۴۶ (۳/۵۳)	میانگین (انحراف معیار) ۲۰/۷ (۳/۰۶)
بازشناسی هیجان	۳۵/۸۳ (۳/۱)	۲۵/۸ (۳/۰۳)	۲۶/۷۳ (۲/۷۲)

جدول ۲- شاخص های توصیفی هیجان ها در سه گروه

هیجان	روان پریش گرا	روان رنجورگرا	عادی
نفرت	میانگین (انحراف معیار) ۳/۹ (۱/۲۸)	میانگین (انحراف معیار) ۴/۲ (۰/۹۳۴)	میانگین (انحراف معیار) ۳/۸۳ (۰/۹۸۵)
شادی	۵/۹۳ (۰/۲۵۳)	۵/۹۶ (۰/۲۵۳)	۶ (۰)
غم	۴/۳۶ (۰/۹۶۴)	۳/۹۶ (۱/۰۹۸)	۴/۴۳ (۰/۷۲۷)
تعجب	۵/۵۳ (۰/۸۶)	۵/۳ (۰/۹۱۵)	۵/۴۳ (۰/۶۷۸)
ترس	۳/۲ (۱/۴۲)	۲/۶۳ (۱/۲۹۹)	۳/۶۳ (۱/۱۲۹)
خشم	۳/۳۶ (۱/۵۶۴)	۴ (۱/۱۴۴)	۳/۳۶ (۱/۲۷۲)
مثبت	۱۱/۴۶ (۰/۸۶)	۱۱/۲۶ (۰/۹۸)	۱۱/۴۳ (۰/۶۷)
منفی	۱۴/۸۳ (۲/۴۲)	۱۴/۸ (۲/۹۷)	۱۵/۲۶ (۲/۲۸)

جدول ۳- تحلیل کوواریانس تک متغیره برای تفاوت نظریه ذهن در سه گروه با کنترل اثر هوش کلامی

منبع تغییر	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذورات
هوش کلامی	۰/۸۶۷	۱	۰/۸۶۷	۰/۰۸۹	۰/۷۶۶	۰/۰۰۱
گروه	۲/۳۷۶	۲	۱/۱۸۸	۰/۱۲۲	۰/۸۸۶	۰/۰۰۳

روان پریش گرا به ترتیب ۲۰/۲ و ۲/۵۵ و میانگین و انحراف معیار سنی افراد عادی به ترتیب ۲۱/۴۶ و ۲/۴۸ بود.

جدول ۱ میانگین نظریه ذهن و بازشناسی هیجان چهره ای در سه گروه روان رنجورگرا، روان پریش گرا و عادی را نشان می دهد.

جدول ۲ میانگین و انحراف معیار بازشناسی شش هیجان اصلی در سه گروه روان رنجورگرا، روان پریش گرا و عادی را نشان می دهد.

چنانچه ذکر شد، برای تحلیل داده ها آزمون تحلیل کواریانس تک متغیره و تحلیل واریانس چندمتغیره به کار رفت. به منظور بررسی پیش فرض ها از آزمون لوین ($F=۰/۶۸$ و $p>۰/۰۵$) و آزمون ام. باکس ($p>۰/۰۵$) استفاده شد که مورد تأیید قرار گرفتند.

بر اساس جدول ۳، اجرای تحلیل کوواریانس تک متغیره با کنترل اثر هوش کلامی، نظریه ذهن در افراد روان پریش گرا، روان رنجورگرا و عادی تفاوت معناداری نشان نمی دهد.

چنانچه در جدول ۴ مشاهده می شود، بازشناسی حداقل یکی از هیجان های چهره ای در افراد روان پریش گرا،

روان رنجورگرا و عادی در سطح ۰/۰۵ تفاوت معناداری دارد.

همان طور که در جدول ۵ مشاهده می شود، با اجرای تحلیل واریانس چندمتغیره، بازشناسی هیجان ترس در بین گروه ها تفاوت معناداری دارد ($F=۴/۵۳۵$) و ($p<۰/۰۵$) و بازشناسی سایر هیجان ها در سه گروه تفاوت معناداری ندارد.

همان طور که جدول ۶ نشان می دهد، بازشناسی هیجان ترس در دو گروه روان رنجورگرا و عادی معنادار است؛ به طوری که در بازشناسی هیجان ترس، افراد روان رنجورگرا نسبت به افراد عادی عملکرد ضعیف تری دارند. سه گروه در بازشناسی دیگر هیجان های اصلی تفاوت معناداری ندارند.

بحث و نتیجه گیری

نتایج تجزیه و تحلیل آماری نشان داد که هیچ یک از سه گروه روان پریش گرا، روان رنجورگرا و عادی در نظریه ذهن تفاوت معناداری ندارند. این نتایج در حالی که به دست آمد که در نظریه ذهن، اثر متغیر همپراش هوش کلامی بر تفاوت گروه ها کنترل شده بود؛ بنابراین

جدول ۴- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره تفاوت سه گروه در بازشناسی هیجان

اثر	نام آزمون	ارزش F	درجه آزادی	سطح معناداری
گروه	اثر بیلابیلی	۱/۷۸۶	۱۴	۰/۰۴۴
	لامبدای ویلکز	۱/۸۱۷	۱۴	۰/۰۴
	اثر هاتلینگ	۱/۸۴۷	۱۴	۰/۰۳۶
	بزرگ‌ترین ریشه روی	۳/۰۹۸	۱۴	۰/۰۰۶

جدول ۵- نتایج تحلیل واریانس چندمتغیره تفاوت سه گروه به تفکیک هیجان‌ها

منبع تغییر	متغیر وابسته	مجموع مجذورات	درجه آزادی	میانگین مجذورات	F	سطح معناداری	مجذورات
گروه	بازشناسی هیجان	۱۶/۸۲۲	۲	۸/۴۱۱	۰/۹۵۹	۰/۳۸۷	۰/۰۲۲
	نفرت	۲/۲۸۹	۲	۱/۱۴۴	۱/۱۹	۰/۳	۰/۰۲۷
	شادی	۰/۰۶۷	۲	۰/۰۳۳	۱/۰۲۴	۰/۳۶۴	۰/۰۲۳
	غم	۳/۸۲۲	۲	۱/۹۱۱	۲/۱۵۱	۰/۱۲۳	۰/۰۴۷
	تعجب	۰/۸۲۲	۲	۰/۴۱۱	۰/۶۰۵	۰/۵۴۸	۰/۰۱۴
	ترس	۱۵/۰۸۹	۲	۷/۵۴۴	۴/۵۲۵	۰/۰۱۳	۰/۰۹۴
	خشم	۸/۰۲۲	۲	۴/۰۱۱	۲/۲۳۸	۰/۱۱۳	۰/۰۴۹
	مثبت	۰/۶۸۹	۲	۰/۳۴۴	۰/۴۷۸	۰/۶۲۲	۰/۰۱۱
	منفی	۴/۰۶۷	۲	۲/۰۳۳	۰/۳۰۶	۰/۷۳۷	۰/۰۰۷

جدول ۶- مقایسه گروه روان رنجورگرا و عادی در بازشناسی هیجان ترس

متغیر وابسته	گروه (۱)	گروه (۲)	تفاوت میانگین	خطای معیار	سطح معناداری
ترس	روان رنجورگرا	عادی	-۱/۰۰	۰/۳۳۳	۰/۰۱۱*

* $p < 0.05$

بدل شوند. در این پژوهش نیز نظریه ذهن افراد روان پریش‌گرا و عادی تفاوت معناداری نشان نداد. از آنجا که طرح پژوهش‌های قبلی از نوع همستگی بود و طرح این پژوهش از نوع علی-مقایسه‌ای است، متفاوت بودن طرح پژوهش می‌تواند دلیل ناهمسو بودن یافته‌ها باشد.

یافته دیگر پژوهش نشان داد که دو گروه روان پریش‌گرا و روان رنجورگرا و روان پریش‌گرا و عادی در بازشناسی هیجان چهره‌ای و شش هیجان اصلی تفاوت معناداری با هم ندارند، اما دو گروه روان رنجورگرا و عادی در بازشناسی هیجان ترس تفاوت معناداری داشتند. افراد روان رنجورگرا نسبت به افراد عادی در بازشناسی هیجان ترس عملکرد ضعیف‌تری نشان دادند. نتایج به دست آمده با یافته‌های (۲۶، ۲۷) همسو و با یافته‌های (۲۸) ناهمسوست. (۲۶، ۲۷) نشان دادند که روان رنجورگرای با بازشناسی هیجان ترس ارتباط منفی دارد. برای بازشناسی هیجان، در این پژوهش‌ها از کلیپ‌های تصویری و در پژوهش حاضر از تصاویر ثابت استفاده شده است. (۲۸) نشان داد که

همه گروه‌ها به صورت برابر می‌توانند حالات ذهنی خود و دیگران را استنباط کنند. نتایج این پژوهش با یافته‌های نتل و لیدل (۶، ۱۹) همسو و با یافته‌های (۱۸) ناهمسوست. (۶) نشان دادند که روان رنجورگرای با عملکرد اجتماعی- ادراکی نظریه ذهن ارتباط ندارد. در پژوهش حاضر نیز مؤلفه ادراکی- اجتماعی نظریه ذهن با ابعاد شخصیت ارتباطی ندارد.

این پژوهش (۱۸) حاکی از آن است که از بین پنج عامل شخصیت، عوامل گشودگی، برون‌گرایی و وجدانی بودن با توانایی ذهن‌خوانی رابطه معناداری ندارد، اما عامل توافق‌جویی و روان رنجورگرای با توانایی ذهن‌خوانی ارتباط معنادار دارد؛ چنان که نمرات بالا در روان رنجورگرای عملکرد ضعیف توانایی نظریه ذهن را پیش‌بینی می‌کند. پژوهش (۱۹) همچنین نشان داد که نظریه ذهن در افراد جامعه‌ستیز آسیبی نمی‌بیند و عملکرد آنها همانند دیگر افراد در نظریه ذهن است. پژوهش (۱۶) نشان‌دهنده آن است که روان پریشی‌گرایی با جامعه‌ستیزی مرتبط است و این احتمال وجود دارد که افراد روان پریش‌گرا به افراد جامعه‌ستیز

عنوان بارزترین هیجان در بازشناسی آزمودنی‌ها نام برده‌اند که این نتیجه بر نتایج تحقیق حاضر منطبق است. همچنین بیشترین تعداد پاسخ‌دهی نادرست سه گروه نیز به هیجان ترس مربوط بود. بازشناسی درست هیجان ترس در سه گروه روان پریش‌گرا، روان رنجورگرا و عادی به ترتیب ۲۳/۳، ۱۶/۷ و ۲۴/۳ به دست آمد که در کل کمترین میزان بازشناسی درست هیجان چهره در بین سایر هیجان‌ها بود.

پژوهش حاضر با این محدودیت‌ها مواجه بود: نمونه آن دانشجویان دختر بودند، آزمون نظریه ذهن فقط مؤلفه اجتماعی- ادراکی را ارزیابی کرد و تصاویر استفاده شده در آزمون بازشناسی هیجان ایستا و ثابت بودند؛ از این رو پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی نقش جنسیت تعدیل و از آزمون‌های نظریه ذهن، که مؤلفه اجتماعی- شناختی را می‌سنجند، استفاده شود. همچنین پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های بعدی برای بررسی بازشناسی هیجان کلیپ‌های تصویری به کار رود و زمان واکنش افراد به هیجان‌های مختلف نیز اندازه‌گیری و با هم مقایسه شوند.

دریافت: ۹۱/۵/۳ ; پذیرش: ۹۲/۲/۱۹

افراد روان پریش‌گرا به چهره‌های خشمگین توجه کمتری دارند و پیام‌های مناسب اجتماعی را تحریف می‌کنند.

برای تبیین تفاوت بازشناسی هیجان ترس در افراد روان رنجورگرا و عادی می‌توان گفت که یکی از جنبه‌های مهم هیجان اثر آن بر انتخابی بودن توجه است. افراد مضطرب مستعد توجه انتخابی به برخی چیزهای پیرامون خود و صرف نظر کردن از بقیه هستند. اگر آنها با نوعی تفکر انتخابی به خود اطمینان خاطر ببخشند، ممکن است اضطرابشان تخفیف یابد. به نظر فروید اضطراب موجب واپس‌زنی می‌شود. افراد روان رنجورگرا در رویارویی با محرک‌های ترسناک مکانیسم‌های دفاعی خود را بسیج می‌کنند تا از ورود افکار و احساسات نامقبول به خودآگاه پیشگیری کنند (۲۹). در پژوهش حاضر نیز چنین به نظر می‌رسد که افراد روان رنجورگرا هیجان ترس را واپس‌زنی و کمتر بازشناسی کرده‌اند.

برخی نتایج جانبی به دست آمده چنین است: بیشترین پاسخ‌دهی درست هر سه گروه مربوط به هیجان شادی بود؛ به طوری که درصد بازشناسی درست هیجان شادی در گروه روان پریش‌گرا ۹۳/۳، در گروه روان رنجورگرا ۹۶/۷ و در گروه عادی ۱۰۰ درصد به دست آمد. منابع مختلف از جمله گزارش (۳۰)، از شادی به

منابع

- Smith ER, Semin GR. Situated Social Cognition. *Association for Psychological Science* 2007; 16:132-35.
- Kim YT, Kwon DH, Chang Y. Impairments of facial emotion recognition and theory of mind in methamphetamine abusers *Psychiatry Research* 2011;186:80-84.
- Schimansky J, David N, Rossler W, Haker H. Sense of agency and mentalizing:dissociation of subdomains of social cognition in patients with schizophrenia *Psychiatry Research* 2010;178:39-45.
- Brüne M, Brüne-Cohrs U. Theory of mind-evolution, ontogeny, brain mechanisms and psychopathology *Behavioral Cognitive Neuroscience Reviews* 2006; 30:437-55.
- Gallagher HL, Frith CD. Functional imaging of 'theory of mind'. *Trends in Cognitive Sciences* 2003; 7 (2):77-83
- Nettle D, Liddle B. Agreeableness is related to social-cognitive, but not social-perceptual, theory of mind *European Journal of Personality* 2008; 22:323-35.
- Khangani Z, Hodavankhani F. Theory of mind: developmental and approaches. *Journal of Tabriz university* 2009; 4:16.[Persian].
- Bright-Paul A, Jarrold C, Wright DB. Theory of mind development influences suggestibility and source monitoring. *Developmental Psychology* 2008;44: 1055-60.
- Badgaiyan RD. Theory of mind and schizophrenia. *Consciousness and Cognition* 2009; 18:320-22.
- Wimmer H, Perner J. Beliefs about beliefs: Representation and constraining function of wrong beliefs in young children's understanding of deception. *Cognition* 1983; 13: 103-28.
- Barragan M, Laurens KR, Navarro JB, Obiols JE. 'Theory of Mind', psychotic-like experiences and psychometric schizotypy in adolescents from the general population. *Psychiatry Research* 2011;18: 225-31.
- Kohler CG, Turner TH, Gur RE, Gur RC. Recognition of facial emotions in neuropsychiatric disorders. *CNS Spectr* 2004;9:267-74.
- Harms MB, Martin A, Wallace GL. Facial emotion recognition in autism spectrum disorders: A review of behavioral and neuroimaging studies. *Neuropsychol Review* 2010; 20:290-322.

14. Beratis IN, Rabavilas AD, Papadimitriou GN, Papageorgiou C. Eysenck's model of personality and psychopathological components in right- and left-handers. *Personality and Individual Differences* 2011; 50:1267-72.
15. Cal EM. A quantitative review of the relations between the "Big 3" higher order personality dimensions and antisocial behavior. *Journal of Research in Personality* 2006; 40:250-84.
16. Buckingham R, Kiernan M, Ainsworth S. Fluid insight moderates the relationship between psychoticism and crystallized intelligence. *Personality and Individual Differences* 2012; 52:406-10.
17. Heaven PCL, Ciarrochi J. Perceptions of parental styles and Eysenckian psychoticism in youth: A prospective analysis. *Personality and Individual Differences* 2006; 41:61-70.
18. Zabihzadeh A, Nejati V, Maleki GH, Darvishi M, Radfar F. The study of relationship between mind reading ability and big five factors of personality. *Advances in Cognitive Science* 2012; 14:1.[Persian].
19. Richell RA, Mitchell DGV, Newman C, Leonard A, Baron-Cohen S, Blair RJR. Theory of mind and psychopathy: can psychopathic individuals read the 'language of the eyes'? *Neuropsychologia* 2003; 41:523-26.
20. Delavar A. *Theoretical and experimentally basics research in humanism and social science*, Tehran:Roshd; 2006.[Persian].
21. Baron-Cohen S. Autism and 'theory of mind'. *The Applied Psychologist, Open University* 2001.
22. Mahmoud Aliloo M, Bakhshipoor A, BafandeGharamalki H, Khangani Z, Rangbar F. Theory of mind deficiency in schizophrenia with positive and negative signs and normal individuals. *Research Novin psychology* 2011;6:22.[Persian].
23. Amiri A, Ghasem-pour A, Fahimi S, Abolghasemi A, Akbari E, Agh A, Fakhari A. Recognition of facial expression of emotion in patients with obsessive-compulsive disorder and average people. *Armaghane-danesh, Yasuj University of Medical Sciences Journal* 2012; (17)1:30-39.[Persian].
24. Kaviani H, Poornaseh M, Mosavi A. The Eysenck Personality Questionnaire- Revised normalize and validation in population Iranian. *Andeesheh va Raftar*. 2005; 11:304-11.[Persian].
25. Saed O, Rushan R, Moradi A. The investigation of psychometrics the Wechsler Memory Scale-III in students. *Daneshvar (Raftar) Shahed University* 2008; 15:31:57-70.[Persian].
26. Edgar C, McRorie M, Sneddon I. Emotional intelligence, personality and the decoding of non-verbal expressions of emotion. *Personality and Individual Differences* 2012; 52: 295-300.
27. Matsumoto D, LeRoux J, Wilson-Cohn C, Raroque J, Kooken J, Ekman P, et al. A new test to measure emotion recognition ability: Matsumoto and Ekman's Japanese and Caucasian Brief Affect Recognition Test (JACBART). *Journal of Nonverbal Behavior* 2000; 24:179-209.
28. Miskovic V, Schmidt LA. Individual differences in psychoticism predict attention for emotional faces. *Personality and Individual Differences* 2010;48:499-501.
29. Sadock BJ, Sadock VA. *Synopsis of psychiatry: behavioral sciences/ clinical psychiatry*. 10th ed. Tehran: Arjmand; 2007.
30. Ekman P, Friesen W. *Pictures of facial affect*. Palo Alto, CA: *Consulting Psychologist Press* 1976.